

تابش هویت

نورپردازی میدان تئاتر در شهر روتردام

چکیده: امروز سبک زندگی انسان شهرنشین فضاهای منعطفی را می‌طلبد که بسته به نوع نیازهای متنوع و گاه متضاد در طول روز یا شب بتواند از آن استفاده کند. نورپردازی نه تنها به لحاظ عملکرد استفاده از فضا را میسر می‌سازد بلکه در ایجاد حس امنیت و برقراری ارتباط با فضا برای کاربر اهمیت دارد. میدان تئاتر در مرکز شهر روتردام نمونه‌ای از طراحی با تأکید بر زندگی شبانه شهر است که ایده‌های نورپردازی جوهر اصلی آن را نه تنها در شب که در روز نیز شکل داده است. یک فضای باز جمعی که در آن عناصر اصلی برگرفته از خاطرات جمعی هستند. در اینجا نورپردازی به عنوان نماد زندگی مدرن شهری ظاهر می‌شود. طراح در این فضا بهره‌گیری از مؤلفه‌های زمینه‌گرایی و هویتی و نیز استفاده و بهره‌گیری از تکنولوژی را به منظور پاسخ‌دهی به اهداف و نیازهای فضا مورد توجه قرار داده است. نورپردازی در این مکان علاوه بر بعد عملکردی بار معنایی پیدا می‌کند و به مهم‌ترین ویژگی طراحی تبدیل می‌شود. میدان به عنوان یک فضای جمعی در مرکز شهر عملکرد مناسبی دارد و حضور مردم و جریان زندگی در زمان‌های مختلف گویای موفقیت طرح است. این نوشتار نحوه بهره‌گیری طراح از پتانسیل‌های نورپردازی در شکل‌دهی به فضا، درک مخاطبین از فضا در طول شبانه‌روز و تأثیرات مثبت و منفی آن بر فضا را در ابعاد مختلف مورد توجه قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: نورپردازی، هویت شهری، نشانه، میدان تئاتر، آدریان گیز.



مهسا حبیبی، کارشناس ارشد
معماری منظر، دانشگاه تهران
mahsa4habibi@gmail.com



شاهگل نورمحمدبیک، کارشناس
ارشد معماری منظر، دانشگاه
تهران
Shahgol@me.com

تصویر ۴

Pic 4

تصویر ۳

Pic 3

تصاویر ۳ و ۴: قابلیت حرکتی
دکل‌ها به شهروندان امکان
تعامل در فضا می‌دهد، روتردام،
هلند. مأخذ:

www.geolocation.ws

pics3 & 4: The ability of
cranes to move brings the
possibility of interaction for
citizens, Rotterdam, Neth-
erlands. Source:

www.geolocation.ws

شهر روتردام دومین شهر بزرگ هلند و بزرگ‌ترین بندر اروپا است. بندرگاه و صنایع وابسته به آن به ویژه صنعت کشتی‌سازی ویژگی و مشخصه بارز شهر روتردام به شمار می‌رود که چهره شهر نیز به صورت قابل ملاحظه‌ای متأثر از این خصوصیت بارز است. وجود اسکله‌های فراوان مناظر منحصر به فردی را پدید آورده است که از یک سو با وجود دریا با طبیعت پیوند خورده و از سوی دیگر با وجود کشتی‌های بسیار چهره‌ای صنعتی پیدا کرده است.

این میدان تا پیش از اجرای طرح کنونی در دهه ۸۰ میلادی، یک فضای بزرگ خالی بود که از آن استفاده نمی‌شد. در سال ۱۹۸۶ با توجه بیشتر به فضاهای عمومی شهری و احیای شهر با تأکید بر هویت مدرن آن، طرح پیشنهادی گروه West8 برای بازسازی آن و تبدیل به یک صحنه شهری و مردمی پذیرفته شد. میدان تئاتر که امروزه یکی از مراکز اصلی شهر روتردام محسوب می‌شود در قسمت شمالی شهر و نزدیک معروف‌ترین پل شهر «اراسموس» قرار دارد. بازسازی این میدان که بر روی مجموعه پارکینگ موجود قرار گرفته، ایجاب می‌کرد که از ساختارهای سبک برای ساخت و ساز استفاده شود. ساخت این پروژه در سال ۱۹۹۱ شروع شد و در سال ۱۹۹۶ به بهره‌برداری رسید. در سه طرف این میدان سه سالن فیلم، تئاتر و موسیقی اصلی شهر قرار دارد. در نزدیکی میدان مرکز همایش و سالن کنسرت دن «De Doelen» قرار دارد که در سال ۱۹۶۶ تأسیس و تا سال ۱۹۹۰ نیز دو سالن دیگر به آن اضافه شد.

اهداف، راهبرد و راهکارهای طراحی

دستاورد دوران مدرن برای شهرها طراحی سواره محور و بی‌توجه به شهروند بود. طراحی محدود به کالبد که فضا را تنها فرم می‌پنداشت و پیوندی بین محیط و افراد متصور نبود. امروزه می‌دانیم توجه به جنبه‌های کارکردی منظر شهر نباید سبب شود شهر را تنها کالبد تصور کنیم بلکه مهم‌تر از آن حضوری است که انسان در شکل دادن به منظر شهر بر عهده دارد. میدان شهری می‌تواند فضایی باشد سرشار از تعاملات اجتماعی که حس تعلق به مکان را در مخاطب زنده می‌کند.

با وجود سالن‌های کنفرانس، موسیقی و تئاتر در قسمت مرکزی شهر، محل کنونی میدان یک فضای مرده بود و به این ترتیب هدف اصلی این پروژه بازآفرینی فضای زنده شهری بود. یکی از اهداف مهم ایجاد یک نقطه عطف در فضای شهری است. یک میدان باز و چند عملکردی که به عنوان بستری برای تعاملات اجتماعی در کنار قطب فرهنگی شهر فعالیت‌های شهروندان را پوشش دهد. راهبردهای طراحی جهت دست یافتن به فضایی پویا و زنده در دو زمینه بصری و عملکردی شامل تأکید بر وجود فضای خالی شهری و گشودگی در خط آسمان و طراحی منعطف و متأثر از کاربر بود (تصویر ۱).

پیوستگی فضایی از منظر روز تا منظر شب

عناصر اصلی در طراحی که «آدریان گیز» و همکارانش به آن اشاره می‌کند همگی بر بازسازی عناصر آشنای شهر روتردام اشاره دارد. ایده اولیه ایجاد یک فضای باز است که در آن عناصر اصلی منظر برگرفته از خاطرات جمعی است. منظر شهر ادراک شهروندان از نمادها و نشانه‌های آن است و سابقه حضور در شهر است که لایه‌های مفهومی درک از فضا را به منظر می‌افزاید (منصوری، ۱۳۸۹). عنصر مهم و به یادماندنی، مجموعه چراغ‌های قرمز رنگی هستند که به شکل جرثقیل طراحی شده (Shedd Reed, 2005: 34) و یادآور بندرگاه‌های روتردام هستند. ایده اولیه چراغ‌ها حرکت آنها و انعطاف‌پذیری در فصول و زمان‌های مختلف است. به عبارت دیگر چراغ‌های جرثقیلی را می‌توان محصول ترکیب مفاهیم روشنایی در شب، حرکت و هویت دانست. در واقع طراح در زنده و پویاسازی فضا و جذب مخاطبان علاوه بر عملکرد فضایی به هویت، نشانه بودن و خاطره جمعی شهروندان توجه داشته است و از آنجا که هویت منظر شهر در گروه پذیرش جامعه است و کالبد طراحی در نگاه نخست باید درک شده باشد (آتشین‌بار، ۱۳۸۸) و با داشته‌های ذهنی مخاطب منطبق شود به این ترتیب جرثقیل‌های لنگرگاه را با رنگ قرمز مشخص کرده‌اند. استفاده از این چراغ‌ها در بستر ساده و یکدست پلازای شهری در گام نخست نوعی نشانه شهری را محسوب شده و در گام دوم فرم آن منظر را برای شهروند پدید می‌آورد که در نگاه اول با آن احساس آشنایی می‌کند. نکته مهمی که طراحی را متمایز می‌کند قالب نوینی است که برای استفاده از عناصر آشنا به کار می‌برد. چراغ، کفسازی، چوب و نیمکت همگی به عنوان اجزا در هر فضای شهری به چشم می‌خورد اما وجه تمایز این اجزا در پروژه میدان تئاتر قالب نوین آنهاست که در عین حال خاطره‌انگیز و آشنا هستند. این چراغ‌های دکل مانند میدان به همراه یک سری برج تهویه، بازسازی نمادین از یک لبه



تصویر ۱

Pic 1

تصویر ۲

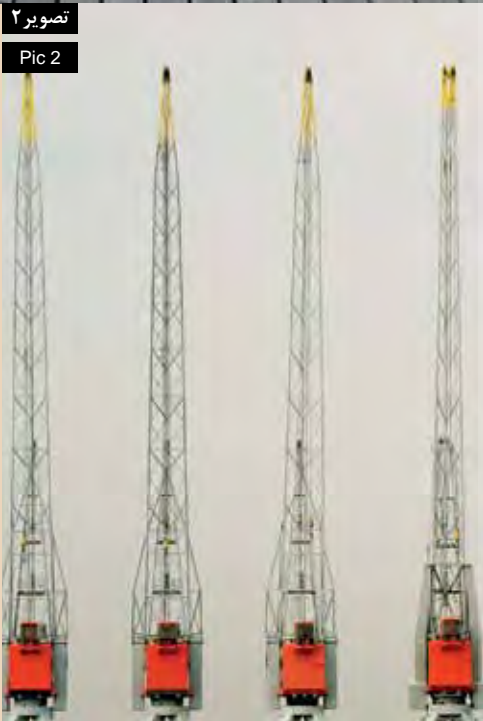
Pic 2

تصویر ۱: دست یافتن به فضایی پویا و زنده شهری، روتردام، هلند. مأخذ: www.skateproductivity.blogspot.com

pic1: Achieving a lively and dynamic urban space, Rotterdam, Netherlands. Source: www.skateproductivity.blogspot.com

تصاویر ۲: ایده اولیه طراحی چراغ‌ها، بازسازی یک نمای ساده از یک لبه بندرگاهی است که در کنار یک فضای جمعی شهری قرار می‌گیرد. مأخذ: www.flickr.com

Pic 2: The initial idea for lighting design was the reconstructing the view of a simple waterside which was located next to an urban public space this time. Source: www.flickr.com



سبب تعامل میان کاربران و فضا شود بلکه با وجود احساس تعلق به یک مکان است که افراد به برقراری تعامل در آن تشویق می‌شوند. توجه به نیازهای کاربر از یک سو و توجه به گذشته او از سوی دیگر می‌تواند موارد مورد نیاز برای طراحی یک فضای خوب جمعی باشد. توجه به جزئیات خصوصاً در بازسازی خلاقانه عناصر آشنا می‌تواند در ایجاد این حس مؤثر واقع شود، اما فکر کلی در پس طراحی یک فضای جمعی می‌تواند جان‌مایه و بستر جزئیات باشد و هویت‌بخش یک مجموعه از اجزای گسسته. میدان تئاتر روتردام به دلیل ایجاد فضای آشنا برای شهروندان بسیار موفق بوده است. استفاده از منظره شهر و عناصر قابل تفسیر آن برای شهروندان نکته برجسته کار است. آنچه این فضا را از میدان‌های مشابه با رویکرد هویتی متمایز و برتر می‌سازد بهره‌گیری از مؤلفه نورپردازی به عنوان ابزار اصلی در طراحی است که به نوعی پیوستگی منظر شب و روز را برای فضا به ارمغان می‌آورد. آدریان گیز و همکارانش با شناخت دقیق از بستر طراحی و تکنولوژی نورپردازی به در ابعاد مختلف عملکردی، مفهومی و هویتی آن توجه کرده است. ابعادی که در زمینه نور کمتر

بندرگاهی است که این بار در کنار یک فضای جمعی شهری قرار گرفته است (تصویر ۲). در کنار این عناصر به کار رفته، بستر نیز یادآور همان بندر می‌شود و منظره‌ای پدید می‌آورد که مردم شهر همواره در کنار دریا با آن برخورد داشته‌اند. استفاده از ارتفاع گرفتن صفت میدان از سطح زمین نیز که در واقع به نوعی دیکته طراحی محسوب می‌شود بسیار ظریف و هنرمندانه صورت می‌پذیرد. طراح بار دیگر در اینجا نیز نورپردازی را برای تحقق بخشیدن به ایده‌های طراحی مورد استفاده قرار داده است. یک نورپردازی قوی به گونه‌ای این صفت را معلق نشان می‌دهد که گویی بر روی سطح آب شناور است. این نگاه نیز برگرفته از بستر طراحی اشاره‌ای است به دریا که بخش عظیم زندگی شهر روتردام را همواره تحت تأثیر خود قرار داده است. اجزای دیگری چون کفسازی چوبی و مصالح به کار رفته در طراحی نقش مهمی در ایجاد صحنه آشنا دارند (Shedd Reed, 2005: 34). ایجاد فضایی با این خصوصیات نیازمند شناختی صحیح از هویت، معنا و نشانه در کنار یکدیگر است که طراح با بهره‌گیری ویژه از نور به آن دست یافته است.

تصویر ۵

Pic 5



عناصر نورپردازی در بستر پیوسته پلازای شهری نه تنها به نشانه تبدیل می‌شود بلکه در قالبی نو منظری آشنا برای شهروندان می‌سازد. مشخصه اصلی طراحی میدان تئاتر روتردام استفاده از عناصر معمول در کالبد نویی است که عمیقاً با بستر طراحی پیوند دارد و فضایی خلق می‌کند که هم به یاد می‌آورد و هم به یاد می‌ماند.

نور، دستمایه اصلی طراحی

طرح میدان براساس پیش‌بینی نیازهای کاربران برنامه‌ریزی شده است. قسمت شرقی با برخورداری از تابش بیشتر آفتاب دارای یک ردیف نیمکت‌های چوبی است که میدان و خیابان را از هم جدا می‌کند و دید مناسبی به سمت میدان دارد. وجود یک پارکینگ عمومی در زیر میدان اقدامات طراحی را دچار چالش کرده است. برج‌های تهویه این پارکینگ به ارتفاع ۱۵ متر در قسمت شرقی قرار گرفته است (Geuze, 2006: 5). دکل‌های قرمز که به عنوان چراغ در قسمت شرقی واقع شده است، قابلیت حرکتی دارند و به شهروندان این امکان را می‌دهد تا بسته به نوع فعالیت و نیاز به نور در زمان‌های مختلف از سال و روز و شب تجربه‌ای متفاوت داشته باشند. این نوع تفکر نورپردازی در فضاهای جمعی از این جهت مهم تلقی می‌شود که مدیریت آن می‌تواند توسط شهروندان صورت پذیرد. به این ترتیب سهمی برای کاربر فضای جمعی در نظر گرفته می‌شود و نمایشی برای رویکرد کاربرمحور طراحی است (تصاویر ۳ و ۴).

علاوه بر این رویکرد عملکردی، حضور این دکل‌ها که از نظر فرم کلی، ابعاد و تناسبات و رنگ، با سایر عناصر نورپردازی رایج در مناظر شهری متفاوتند، سبب به وجود آمدن خوانایی در کل فضا و تبدیل آن به عنصر نشانه‌ای در شهر می‌شود. از جنبه فرم نگاه طراح مشخصاً برآمده از رویکرد هویتی بوده است. اما نتیجه این رویکرد را از بعد زیبایی‌شناسی نمی‌توان تنها در کالبد جستجو کرد و بیش از هر عنصر دیگر در میدان بار معنایی با خود همراه دارد. دکل‌های قرمز یک کلیت بصری به میدان شهری داده و از نظر تناسبات، رنگ و فرم تمام فضا را تحت تأثیر قرار می‌دهد. تناسبات دکل‌ها محدوده‌ای روان‌شناختی برای فضا تعریف می‌کند مانند یک دیواره و سقف حدود فضایی میدان را مشخص می‌کند که با وجود نداشتن مرز بصری، فرد خود را داخل فضا حس می‌کند (تصویر ۵). پخش نور چراغ‌ها مانند صحنه‌های تئاتر است که با توجه به کاربری‌های اطراف میدان برای القای همین حس انتخاب شده است و یک صحنه تئاتر شهری برای مراسم و فستیوال‌ها به وجود می‌آورد (تصویر ۶). اینکه دکل‌ها از هر نقطه‌ای دیده می‌شوند و توجه را جلب می‌کنند بار نشانه‌ای به آنها می‌دهد. رنگ قرمز دکل‌ها نیز از ویژگی‌های مهم دیگری است که علاوه بر خوانایی و نشانه‌شدن کمک می‌کند تا از بار صنعتی فرم کلی آنها کاسته شود. رنگ قرمز در زمینه خاکستری به فضا نشاط می‌دهد و یکنواختی آن را بر هم می‌زند.

به آنها توجه می‌شود. این تأکید ویژه طراح به بهره‌گیری از تکنولوژی و نور در دست‌یابی به اهداف و ابعاد منظر موجب شده تا مؤلفه‌های دیگر منظر به ویژه مؤلفه‌های طبیعی گیاه و آب مغفول ماند و در کل به‌کارگیری آنها دغدغه طراح نباشد. تنها حضور طبیعت در میدان را می‌توان در تعدادی درخت و گل دید. همچنین فضای گسترده یکنواخت و اجزای اصلی به کار رفته همگی چهره‌ای خشک و صنعتی دارند و در کل فضای سرد و بی‌روحی را تشکیل می‌دهد. خلوص اجزای مدرن و ماشینی فضا به اندازه‌ای سنگین شده که آن را از روح انسانی خالی می‌کند. مرز میان فضای گشوده خوب شهری و فضای باز یکنواخت شهری شاید یک خط باشد که توجه به روح مکان تفاوت اصلی دو کیفیت است ■

فهرست منابع

- منصور، سیدامیر. (۱۳۸۹). چيستی منظر شهری، مجله منظر، ۲ (۹): ۳۳-۳۰.
- آتشین‌بار، محمد. (۱۳۸۸). تلاطم هویت در منظر شهری، مجله باغ نظر، ۶ (۱۲): ۴۵-۵۶.

جمع‌بندی

صرف ایجاد یک کالبد زیبا و تعریف‌شده به عنوان میدان باز شهری نه تنها نمی‌تواند

Identity Dissemination

Lighting the Theater Square of Rotterdam

Mahsa Habibi, M.A. in Landscape Architecture, University of Tehran, Iran.

mahsa4habibi@gmail.com

Shahgol Noormohammad Beik, M.A. in Landscape Architecture, University of Tehran, Iran.

Shahgol@me.com

Abstract: Nowadays, the lifestyle of urbanized people requires flexible spaces which can be used depending on various and sometimes conflicting types of demands during a day. Lighting not only makes it easy to use the space functionally, but also plays a significant role in terms of creating a sense of security and attachment for the users. The "Theater Square" (Schaumburg) in the heart of the city of Rotterdam is an impressive sample of designing with the emphasis on nightlife. The lighting ideas is the main concepts both at day and night in this space. It is an open public space whose main elements are derived from public memories. Lighting appears as the symbol of modern urban life. The designer has considered the components of regionalism, identity and also the use of technology in order to respond to the aims and needs of the space. In addition to the functional aspects, the lighting provides a semantic and identical meaning which makes it the main designing feature. The square is a responsive public space in the city center whereas public presence and liveliness at different times of the day illustrates the prosperity of the project.

Considering the user requirements on one hand and his past on the other hand would be the basic elements in designing a proper public space. Noticing details specially in reconstructing the familiar elements can be effective in creating this feeling while general concept in designing a public space is the identical essence and consistent substance for a set of discrete components. The Rotterdam Theater square has been successful in case of creating an acquainted place for citizens. The outstanding points of the project are benefiting from the city scenery and interpretable elements for citizens. Using the lighting as the main design utility distinguishes this space from other similar squares with identical approach in designing that brings cohesion to the landscape of day and night.

Adrian Geuze and his colleagues have used a combination of lighting by accurate recognition of site and technology at different functional, conceptual and identical aspects which are mostly neglected in many cases of lighting design. This bolded approach in using technology and lighting has made other landscape elements such as presence of nature, plant and water subtle. The existence of nature is summarized in single flower boxes and trees. The wide monotonous space and main elements of the space altogether reminds cold and industrial face which generally makes the place spiritless. The summery of modern and mechanical components has been so vivid that empties the place and makes it spiritless. The border between a successful urban patulous space and a uniform urban open space may be a line which brings the sense of place and makes difference in quality. This article defines the method in which the designer utilizes the lighting potentials in order to form the space and the audience perception during the day and night. It also reveals the positive and negative points in different aspects by which lighting has affected the space.

Keywords: Lighting, Urban Identity, Symbol, Theater square, Adrian Geuze.

Reference list

- Atashinbar, M. (2009). The continuity of identity in urban landscape. *Jurnal of Bagh-e Nazar*, 6 (12): 45-56.
- Geuze, A. (2006). *Paysages Coferences*, France, Pavillon de l'Arsenal.
- Mansouri, S.A. (2010). The essence of urban landscape. *Journal of Manzar*, 2 (9): 30-33.
- Shedd Reed, P (2005). *Groundswell: Constructing The Contemporary Landscape*. NewYork: The Museum of Modern Art.



تصویر ۶
Pic 6

تصویر ۵: دکلهای قرمز از نظر تناسب، رنگ و فرم یک کلیت واحد را به میدان شهری داده است، روتردام، هلند. مأخذ: www.flickr.com

pic 5: Red cranes offer unique totality to the urban square in terms of proportions, color and form, Rotterdam, Netherlands. Source: www.flickr.com

تصویر ۶: پخش نور چراغها صحنه تئاتر را به یاد می آورد، روتردام، هلند. مأخذ: www.flickr.com

pic 6: Light diffusion recalls the theater stage, Rotterdam, Netherlands. Source: www.flickr.com

